

«پوچ‌گرایی سرمایه‌دارانه» و ال‌استریت‌بتس

اسلاوی ژیزک

ترجمه: گلناز منتظری



ما در وضعیتی هستیم که ال‌استریت، الگوی سفته‌بازی و معاملات نهانی فاسد که همواره ذاتاً مخالف مداخله و مقررات دولتی بوده، حالا مخالف رقابت ناعادلانه و خواستار مداخله دولت شده است. به‌طور خلاصه، ال‌استریت‌بتس علناً کاری را می‌کند که ال‌استریت در دهه‌ها در خفا انجام داده است

زمانی که کارگردان کروات داریو یوریچان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۹ کرواسی شد، با شعار انتخاباتی «فساد برای همه» وعده داد که [در دولت او] مردم عادی هم از رابطه‌سالاری بهره‌مند خواهند شد. مردم با اشتیاق به این شعار واکنش نشان دادند با اینکه می‌دانستند این یک شوخی است. نیروی محرک مشابهی در سابر دیت «وال‌استریت‌بتس» وجود دارد که با همذات‌پنداری بیش از حد با سیستم مالی یا به عبارت دقیق‌تر با همگانی‌کردن و در نتیجه آشکار کردن مسخرگی ذاتی‌اش سعی در متزلزل کردن آن دارد.

تا الان ماجرا را شنیده‌اید، اما بگذارید آن را مختصر بازگو کنم. «وال استریت بتس» گروهی اینترنتی است که در آن میلیون‌ها عضو درباره سهام و حق اختیار معامله بحث می‌کنند. ویژگی‌های بارز این گروه، فضای خلاف عرف و ترویج روش‌های معامله متهورانه است. بیشتر اعضای آن افراد غیر حرفه‌ای جوانی هستند که به شیوه‌های اساسی سرمایه‌گذاری و روش‌های مدیریت ریسک اعتنایی ندارند و به همین دلیل فعالیت‌شان قمار تلقی می‌شود. اعضای این گروه اخیراً در سهام شرکت «گیم‌استاپ» سرمایه‌گذاری عظیمی کردند و دیگران را هم به سرمایه‌گذاری تشویق کردند که بر اثر آن قیمت این شرکت (که پیش‌تر با روند نزولی ارزش در بازار مواجه بود) بالا رفت و ترس و نوسانات بیشتری در بازار ایجاد شد.

آنچه این افراد را به سرمایه‌گذاری در «گیم‌استاپ» سوق داد، بیش از آنکه به وضعیت شرکت ربط داشته باشد، به انگیزه آنها برای بالابردن موقت ارزش سهام آن و سپس بازی با نوساناتش برمی‌گشت. این به آن معناست که در وال استریت بتس نوعی خودبازتابندگی وجود دارد؛ چراکه آنچه در شرکت‌های مورد سرمایه‌گذاری اعضای این گروه می‌گذرد، اهمیتی ثانویه دارد. آنچه برای آنها در درجه اول اهمیت است، آثار فعالیت‌شان (یعنی خرید یا فروش گسترده سهام یک شرکت) بر بازار است.

منتقدان در این رفتار به روشنی آثار پوچ‌گرایی را می‌بینند؛ آثار تقلیل معامله سهام به قمار را. یکی از اعضای این گروه می‌گوید: «من از یک سرمایه‌گذار منطقی به یک قمارباز مفلوک بی‌منطق تبدیل شدم». این پوچ‌گرایی به بهترین شکل در اصطلاح «پولو» (مخفف جمله «فقط یک بار زندگی می‌کنی») خود را نشان می‌دهد؛ اصطلاحی که در این جمع برای اشاره به کسانی به کار برده می‌شود که کل سبد سهام‌شان را بر سر تنها یک سهم یا حق اختیار معامله به خطر می‌اندازند اما این پوچ‌گرایی ساده نیست که برای این افراد انگیزه ایجاد می‌کند؛ پوچ‌گرایی آنها بی‌تفاوتی نسبت به نتیجه نهایی را نشان می‌دهد. همان‌طور که جرمی بلک‌برن، استادیار علوم کامپیوتر دانشگاه بینگمتون می‌گوید: «حتی نتیجه هم اهمیتی ندارد. تنها وسیله مهم است. این واقعیت که شما دارید این شرط را می‌بندید، همان چیزی است که ارزش کل ماجرا در آن است. مسلماً ممکن است «ببرید یا مال‌باخته شوید، اما شما بازی کردید و دیوانه‌وار این کار را کردید».

ژاک لاکان در نظریه روانکاوی خود میان لذت مستقیم (لذت از ابزارهای که آن را می‌خواهیم) و لذت مازاد تمایز قائل می‌شود. برای مثال، خیلی از مردم از نفس عمل خرید بیش از آنچه در واقع می‌خرند لذت می‌برند. اعضای وال استریت بتس این لذت مازاد قمار در بورس سهام را علنی در معرض دید قرار داده‌اند.

اقبال عمومی به وال استریت بتس به گونه‌ای است که میلیون‌ها نفر از مردم عادی در آن شرکت دارند. جبهه جدیدی در جنگ طبقاتی آمریکا شکل گرفته است. همان‌گونه که رابرت رایش در توییتی گفته «بگذارید یک موضوع را روشن کنیم؛ اینکه کاربران ردیت ارزش گیم‌استاپ را بالا ببرند، دستکاری بازار است، اما اگر میلیاردرها در صندوق‌های پوشش ریسک سهام استقراضی بفروشند، صرفاً یک استراتژی سرمایه‌گذاری است؟». چه کسی انتظار چنین چیزی را داشت؛ یک جنگ طبقاتی که بین خود سرمایه‌گذاران و دلالان بورس در بگیرد؟

بنابراین ماجرا باز همان «کشتن آدم معمولی‌ها» است که آنجلا نگل در عنوان کتابش به آن اشاره دارد. در این مورد «آدم معمولی‌ها» سرمایه‌گذاران به اصطلاح منطقی و مدیران صندوق‌های پوشش ریسک هستند، اما این بار آدم معمولی‌ها واقعا باید «کشته شوند» (از دور خارج شوند). ما در وضعیتی هستیم که وال استریت، الگوی سفته‌بازی و معاملات نهانی فاسد که همواره ذاتا مخالف مداخله و مقررات دولتی بوده، حالا مخالف رقابت ناعادلانه و خواستار مداخله دولت شده است. به‌طور خلاصه، وال استریت بتس علناً کاری را می‌کند که وال استریت در دهه‌ها در خفا انجام داده است.

البته آرمان‌شهر سرمایه‌داری پوپولیستی که آرزوی میلیون‌ها نفری است که در طول روز کارگر یا دانشجوی ساده هستند و شب‌ها با سرمایه‌شان بازی می‌کنند، غیرممکن است محقق شود و تنها ممکن است به آشفتگی خودیرانگر بینجامد. اما آیا این طبیعت سرمایه‌داری نیست که به صورت دوره‌ای دچار بحران شود – مانند بحران بزرگ سال ۱۹۲۸ و بحران مالی ۲۰۰۸، اگر بخواهیم فقط به معروف‌ترین نمونه‌ها اشاره کنیم – و حتی قوی‌تر از قبل از آن بیرون بیاید؟

باین‌حال، در همه موارد گذشته بازگرداندن تعادل از طریق سازوکارهای بازار غیرممکن بود (و هست)؛ چراکه هزینه بسیار بالاست و بنابراین به یک مداخله عظیم خارجی از جانب دولت نیاز است. آیا این بار هم دولت می‌تواند بازی را اداره کند و وضعیتی را که وال استریت بتس برهم زده به حالت عادی برگرداند؟

پس راه‌حل چیست؟ زیاده‌روی‌ای که در وال استریت بتس اتفاق افتاد، بی‌منطقی پنهان بورس سهام را علنی کرد. این شورش علیه وال استریت نیست، اما به‌طور بالقوه چیزی بسیار خطرناک‌تر است؛ چراکه سیستم را با همذات‌پنداری بیش از حد با آن دچار تزلزل می‌کند، درست مانند کاری که نامزد ریاست‌جمهوری کرواسی با شعارش انجام داد.

بله، کاری که اعضای وال استریت بتس می‌کنند، پوچ‌گرایانه است؛ اما این پوچ‌گرایی طبیعت خود بورس سهام است و در وال استریت جریان دارد. برای غلبه بر این پوچ‌گرایی باید از بازی بورس

خارج شویم. سوسیالیسم در همین نزدیکی منتظر فرصت نشسته تا آن را دریابیم؛ چراکه مرکزی‌ترین نقطه سرمایه‌داری جهانی در آغاز فروپاشی است. آیا چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟ پاسخ تقریباً با اطمینان منفی است؛ اما آنچه مایه نگرانی است، این است که بحران اخیر تهدید غیرمنتظره دیگری برای سیستم است که از چندین جهت دیگر هم مورد تهاجم قرار گرفته (همه‌گیری جهانی کرونا، گرمایش زمین، اعتراضات اجتماعی و...). به‌علاوه، این تهدید از قلب سیستم برآمده نه از خارج آن. ترکیبی انفجاری در حال شکل‌گرفتن است و هرچه این انفجار به تعویق بیفتد، ممکن است ویرانگرتر شود.

منبع اصلی:

[the-capitalist-nihilism-of-wallstreetbets](#)

از سایت: شرق